

نجات بخشی در دین بودا

مجتبی زروانی

دانشگاه تهران، دانشکده الهیات

چکیده:

نجات ایده ساختاری تفکر بودائی است. از نقطه نظر دین بودا جهان ترکیبی از عناصر گذران و ناپایدار است و هیچ واقعیت ثابتی را نه در عالم کبیر و نه در عالم صغیر نمی توان مشاهده نمود. بنابراین هستی جز رنج بیار نمی آورد و عین رنج است. خواهش و میل به هستی همچون «کرمه ای» است که نتیجه آن تناسخ و بازپیدایی در هستی است. انسان کامل اوست که، خود را بتواند از چرخه تناسخ و قید کرمه رها سازد و به نجات که وصول به نیروانه است دست یازد. کیفیت وصول به نیروانه یا نجات در دین بودا و از نقطه نظر دو فرقه بزرگ «تیره واده» و «مهاییانه» متفاوت است.

کلیدواژه ها: بودا، بدهی، بدهیستوه، آرهت، رنج، تناسخ، کرمه، نیروانا

مقدمه:

دین بودائی^(۱) در قرن ششم ق.م در زمینه ای کاملاً هندوئی بوجود آمد و نظریه کلیت رنج، قانون تداوم جبری عمل^(۲)، اصل تناسخ^(۳) و کوشش برای رهایی از چرخه زایش و مرگ از راه ریشه کن کردن خواهشها و شهوات را که از اصول همه ادیان و

1- Buddhism

2- Karma

3- Samsâra

مکتب‌های فکری هندویی بود، پذیرفت.

اعتقاد بعضی از هندشناسان این است که گوتمه بودا^(۱) هندو بدینا آمد و هندو از دنیا رفت، و تفاوت اساسی میان اندیشه‌های او و آراء و عقاید دینی هندوان و متفکران هندو مذهب در این است که بوداگرایی انسان مدارانه (اومانستی) داشت و این گرایش آیین وی را از آنچه هندویی تلقی می‌شود متمایز می‌نماید. (رایس دیویتر، ص ۸۳)^(۲) ولی با این همه گاهی گفته می‌شود که دین بودا نه فقط وارث مبانی مهم کیش برهمنی^(۳) است، بلکه رنگ معنوی و ماهیت دینی آن هم متأثر از معنویت هندویی است؛ (آلدنبرگ، ص ۲-۵۱)^(۴) و بعضی دیگر دین بودائی را شاخه‌ای از دین هندویی بشمار می‌آورند. (رادها کریشن، ج ۱، ص ۳۶۱)^(۵)

بنابراین نظریات چنین می‌نماید که عناصر اصلی آیین بودائی نباید با اصول و مبادی کلی آیین هندویی ناسازگار و در تعارض باشد، در حالیکه چنین نیست. حتی بودائی‌گری در آغاز از سوی هندوان بعنوان نوعی الحاد تلقی شد، زیرا به دو اصل اساسی هندوئیزم یعنی به اعتبار و سندیّت آسمانی و دها و اعتقاد به وجود خدایان ودایی و برهمنی نه تنها بی‌اعتقاد بود، بلکه آنها را انکار می‌کرد.

بودا بر خلاف همه مکتب‌های فکری و مذاهب هندویی به هیچ حقیقت ثابتی قائل نبود و جهان را همچون جریانی گذران از عناصر ناپایدار و لحظه‌ای می‌شناخت. تنها سازگاری میان دین بودائی و هندوئیزم چنانکه اشاره شد، قانون علی و معلولی «کرمه»^(۶) یا اصل عمل و نتایج عمل و نیز قبول اصل زایش و مرگ پی در پی یا «سمساره» است و اگر این دو اصل را ملاک همسوئی آیین بودا با هندوئیزم بدانیم تقریباً تمامی ادیان هندی ماهیتی واحد خواهند داشت و امتیاز میان آنها تنها به نامهای مختلف آنها مربوط خواهد بود.

در واقع دین بودائی معرف نظامی کاملاً متفاوت با اصول هندویی است، با این حال موضوع رنج آدمی در عالم و علت آن و ضرورت نجات و رهایی از رنج، و چگونگی

1- Gautama Buddha

2- Rhys Davids, *Buddhism*,

3- Brâhmanism

4- Oldenberg

5- Radhakrishnan

6- Karma

این رهایی در این آیین با آنچه در هندوئیسم مورد نظر و اعتقاد است متفاوت است. دین بودائی، حداقل در دوره‌های اولیه یک دین کاملاً انسانی است، یعنی هیچگونه الوهیت در آن نمی‌توان یافت، بنابراین، عقیده نجات در این دین هیچگونه ارتباطی با خدا یا عالم خدایان ندارد. هر چند غایتی که رسیدن به آن حصول جاودانگی و سعادت مطلق تلقی می‌شود، یعنی نیروانا،^(۱) مفهومی کاملاً مجرد و انتزاعی است، اما از اوصاف و کیفیات الوهی تهی است. البته در ادوار بعدی، بویژه با ظهور فرقه مهاییانه^(۲) مفاهیم تازه‌ای از الوهیت در دین بودا بوجود آمد که نظریه نجات و غایت آنرا تحت تأثیر قرار داد.

نجات

مهمترین مبادی نظریه نجات در دین بودا عبارتند از:

الف) اعتقاد به کرمه (وابسته بودن کیفیت وجودی هر موجود به اعمال گذشته‌اش). بودا معتقد بود که قانون کرمه قانونی است که در نهاد و طبیعت ما عمل می‌کند و گریزی از آن نیست تنها راه رهایی از کرمه و عواقب آن رسیدن به نیروانا است؛ و از این طریق می‌توان به زایشها و مرگهای پی در پی پایان داد.

ب) اعتقاد به تناسخ یا بازیدائی بر اثر کرمه و عمل.

ج) اعتقاد به عدم وجود جوهر ثابت در هستی و ناپایداری اشیاء. هر آنچه در هستی است تغییرپذیر است، به عبارت دیگر هستی عبارت است از یک سلسله تغییرات آنی و زودگذر و آنچه آنی و زودگذر و متغیر باشد، فاقد حقیقت است، زیرا حقیقت زودگذر و فناپذیر نیست. نیز هر آنچه در معرض تغییر و تحول باشد ملازم رنج و درد است. همه چیز در هستی بی‌بود و به اصطلاح «اناته»^(۳) است. عدم درک این حقیقت که هستی ثابت ندارد «نادانی» است و این نادانی است که رنج بیار می‌آورد. نادانی به چهار صورت تجلی می‌کند:

۱- ندانستن رنج ۲- ندانستن علت رنج ۳- ندانستن این که باید از رنج رها شد

۴- ندانستن روش‌هایی که رنج را فرو می‌نشانند. (داسگوپتا، ج ۱، ص ۱۱۱)^(۴)

بودا در خطبه معروف بنارس^(۱) خود، خطاب به پنج راهبی که نزد او آمده بودند می‌گوید: «هر آنچه به هستی می‌گراید محکوم به رنج است، علت رنج خواهش است، رنج را باید فرو نشانند، و راه فرو نشاندن رنج راههای هشتگانه است».

این رنجی که بودا از آن سخن می‌گوید متوجه انسان است. در دین بودا انسان مرکب از روح و جسم است. انکار اصل ثابت «آتمن» در این دین به معنای انکار روح نیست اما بودا روح را اصلی ثابت و پایدار و جاودانی نمی‌داند. ناپایداری، هستی انسان را به تمامه دربر می‌گیرد. جسم و روح هر دو ناپایدارند. آنچه آدمی را در گردونه زایش و مرگ قرار می‌دهد عمل اوست، عملی که بر اساس خواهش و میل به بودن صورت پذیرد. بهترین عمل قطع تعلق و وابستگی به هستی و قطع هرگونه میل و خواهش نسبت به بودن است. در این حال انسان می‌تواند به نیروانا برسد و خود را از هستی توأم با درد و رنج رها سازد. نیروانا قطع تعلق و وابستگی است، خاموشی و فانی محض است، و عبارت دیگر بودن در نبودن و نبودن در بودن است.

راه نجات

راه نجات و چگونگی حصول سعادت و دستیابی به نیروانا در دین بودا از نقطه نظر دو فرقه بزرگ و اصلی این دین یعنی «تهره واده»^(۲) یا «هینه یانه»^(۳) و «مهاییانه»^(۴) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تهره واده و نجات

فرقه تهیره واده که مدعی است صورت اصلی دین بودا را تعلیم می‌دهد و حافظ سنت اولیه این دین است راه نجات را «ارهت»^(۵) شدن شخص می‌داند.

1- Banaras

2- Theravâda

3- Hinayâna

4- Mahâyâna

۵- به سنسکریت ارهنت (Arahant)، به پالی ارهت (Arahat)، معادل چینی آن لوهان (Lohan) و معادل ژاپنی آن ارکن (Arakan)، به معنای موجود شایسته و لایق است. کسی است که می‌تواند با طی راه هشتگانه به هدف نهایی که رهایی از چرخه زایش و مرگ است نایل شود و به نیروانه بیوندد. او

انسان آرمانی مکتب تهیره واده است. نک: *Dictionary of buddhism*, p. 34.

رسیدن به مقام ارهتی^(۱۱)، دستیابی به مقام انسان کامل است. این اصطلاح در متون دینی تری پیتکه^(۱۲) بهره واده از اهمیت فراوانی برخوردار است و نشان دهنده بالاترین مقام سیر معنوی انسان است. لازم به ذکر است که این واژه در متون ودایی و جاینی^(۱۳) هم استعمال شده است. مثلاً در ریگ ودا^(۱۴) در سرودی خطاب به اگنی^(۱۵) از او به عنوان یک ارهت یاد شده است.

در سوترا^(۱۶) های جاینی این اصطلاح در مورد کسانی که از تمایلات خویش دست کشیده‌اند و تن به زهد و ریاضت داده‌اند و بویژه در مورد تیرتهانکارها^(۱۷)، یعنی پیشوایان دین جاینی بکار رفته است. (الیاده، ج ۱، ص ۴۰۳)^(۱۸) کاربرد بودائی این اصطلاح با کاربرد جاینی آن تقریباً یکی است. در «وینیه»^(۱۹)، بخشی از مجموعه «تری پیتکه» یا «سه سبد»، مفهوم ارهت یا ارهنت با وجود برتر و فوق بشری^(۲۰) مرتبط است. کسی که «ارهت» می‌شود از تولدهای پیشین خود و دیگران آگاه است، بنابراین به آسانی می‌تواند هرگونه فساد را از وجود خویش دور سازد و به مراتب بالایی از کمال روحانی برسد. (الیاده، ج ۱، ص ۴۰۳)^(۲۱) در باورهای عامیانه بودائی برای ارهت قدرتی جادویی قائلند، و او می‌تواند با نیروی سحرانگیز خود به انسانها نعمت و ثروت ببخشد.^(۲۲) ارهت شدن یک مقام فردی است و نتیجه تلاش و مجاهدت انسان است. آنها که بیشتر امکان ارهت شدن دارند راهبان هستند، زیرا آنها کسانی‌اند که ضمن آگاهی از حقیقت رنج در هستی، با اعمال مخلصانه و شریف بودائی خود را آماده ارهت شدن کرده‌اند. (الیاده، ج ۱۳، ص ۴۲۳)^(۲۳)

برگزیدگان و راهبان در همین حیات دنیایی به نیروانه نایل می‌شوند. در این حال

- | | |
|----------------|--------------------|
| 1- Arhatship | 2- Tripitaka |
| 3- Jainism | 4- Rig-veda |
| 5- Agni | 6- Suttras |
| 7- Tirthankara | 8- Eliade |
| 9- Vinaya | 10- Aharimanussa |
| 11- Eliade | 12- Ibid, P. 403 . |
| 13- Eliade | |

آنها را جیون موکتی^(۱) یعنی زنده آزاد می‌نامند. لازمه دستیابی به مقام ارهتی دفع سه گونه پلیدی از خود است: (۱) پلیدی شهوات و آرزوها. (۲) پلیدی عملی که به تجدید حیات منجر شود. (۳) پلیدی جهل. با دفع این پلیدیها شخص آماده وارد شدن به راههای هشتگانه نجات می‌گردد که عبارتند از: نیت درست، ایمان درست، گفتار درست، کردار درست، معاش درست، پندار یا توجه درست، کوشش و مراقبه درست. فردی که وارد راههای هشتگانه شد در هر مرحله با فضیلتی خود را کامل می‌کند. مهمترین نتیجه‌ای که با کسب کمالات مربوط به راههای هشتگانه نصیب انسان می‌شود برخوردار شدن از «سمبدهی»^(۲) است، یعنی حکمت و بصیرت باطنی. (هستینگر، ج ۱، ص ۷۷۴)^(۳) سمبدهی در فرد طالب مقام ارهتی در هفت حالت ظاهر می‌شود: آرامش درون، مراقبه، قدرت، شادمانی، تمرکز، بلندی طبع و ضبط نفس. با ظاهر شدن این حالات در شخص، او «سُرْمَه را»^(۴) نامیده می‌شود، یعنی انسانی که تصمیم گرفته است تا خود را بر حسب اصول تهذیب و طریقت بودائی به نیروانا برساند. از آنجا که سیر شخص به نیروانا یک سیر فردی و بدون توجه به نجات دیگران انجام می‌گیرد، از او با عنوان «پُرتی اَکه بودا»^(۵) هم یاد می‌شود، زیرا توجه او بديگران حتی به منظور کمک به آنها برای نجات، مانع رسیدن او به هدف نهایی می‌گردد. و بودا می‌خواهد هر کس تنها در فکر رهایی خود باشد نه در اندیشه نجات دیگران.

مهایانه و نجات

پیروان فرقه مهایانه بودائی معتقدند که طرح نجات هینه‌یانه طرح کاملی نیست، زیرا در آن به نجات فردی توجه می‌شود. رستگاری فردی در برابر رستگاری جمعی که مهایانه بدان توجه دارد بی‌ارزش و غیر قابل توجه است. «هینه‌یانه» یا «شروکه‌یانه»^(۶) یا

1- Jivan mukti

2- Sambodhi

3- Hastings

4- Śramanara

5- Pratyekabuddha پرتی اَکه بودا، حکیم مجرد و تنها که غایت او با غایت «بدهیستوه» ناسازگار است. او به تنهایی سیر می‌کند و در پی تحصیل تنویر فکر است و بی‌آنکه تعهدی به نجات دیگران

داشته باشد، به نیروانا می‌پیوندد. نک: *Dictionary of Buddhism*, p. 154

6- Śravakayāna

«ارहत یانه»^(۱) گردونه کوچکی است که فقط می‌تواند یک انسان را به سلامت از میان قشر «کرمه» عبور دهد و او را به مقام «جیون موکتا»^(۲) که به نیروانه ملحق شده، برساند. پیروان فرقه مهاییانه آئین خود را «بُدهیستوه یانه»^(۳) یا «راه بدهیستوه» می‌نامند، زیرا شخص قدیس یا کسی که بدهیستوه می‌شود قادر است که دیگران را هم در گردونه نجات خویش قرار دهد و آنها را به رستگاری برساند.

هر انسانی می‌تواند نذر کند و تعهد نماید که «بودا» شود و این نذر و عهد وی را سوار بر چرخ بودای آینده یا بدهیستوه می‌کند. هیچ چیزی مانع ورود به راه بوداهای آینده و بدهیستوه‌ها نیست، بدین ترتیب در مهاییانه، بخلاف «هینه یانه» که در آن تنها برگزیدگان و راهبان نجات می‌یابند، هر کس می‌تواند با فرو نشاندن عطش تمایلات خود و با بهره‌جوئی از فضایل اخلاقی بدهیستوه‌ها به نجات دست یابد. هدف نهایی نجات در مهاییانه، سکون، آرامش و خاموشی بعد از طوفان نیست، بلکه حصول مقام «بودانیت»^(۴) است. انسانی که به مقام بودائی می‌رسد در واقع در نیروانه است، در مقام اطلاق است و آزاد از هر قید و بندی. در مهاییانه، بودا شدن جز از طریق بدهیستوه شدن محقق نمی‌گردد. (هستینگز، ج ۸، ص ۳۳۲)^(۵) *

بدهیستوه^(۶)

«بدهیستوه» از دو واژه «بُدھی»^(۷) به معنای بیداری، روشنی و آگاهی و «سْتوه»^(۸)

1- Arhatyāna

2- Jivan mukta

3- Bodhisattvayāna

4- Buddhaship

5- Hastings

* در شاخه زمین پاک (Pure Land) از فرقه مهاییانه همچون آیین «بهکتی» هندوئیسم که عشق و اخلاص ورزیدن به ویشنو (Vishnu) و عبادت او سعادت جاودانی را نصیب انسان می‌کند، کسب سعادت علاوه بر ورود به راه بدهیستوه‌ها، از طریق اخلاص ورزیدن و پرستش «بوداها» بویژه بودا امیتابها (Amitābha)، بودای فروغ و روشنائی بیکران که تشخیص مهربانی و لطف است نیز بدست می‌آید... Poussin, «Mahāyāna», E.R.E, ed, J. Hastings, vol. 8. p.332

6- Bodhisattva

7- Bodhi

8- Sattva

به معنای جوهر و ذات ترکیب شده است و در مجموع به معنای کسی است که ذات و گوهر او روشنائی و نورانیت است. این واژه را «تنویر افکار» هم معنی کرده‌اند. (الیاده، ج ۳، ص ۱۳۳)^(۱) همچنین اعتقاد بر این است که معنای اصلی کلمه، «شخصی که جوهر وجودش علم محض است» می‌باشد. (هستینگز، ج ۲، ص ۷۳۹)^(۲)

چگونه می‌توان بدهیستوه شد؟

تعالیم مه‌ایانه می‌آموزد که هر گاه کسی قصد بودا شدن از طریق ورود به سیر بدهیستوه را داشته باشد باید فضایی^(۳) را کسب کند. این فضایل مشتمل بر اعمال معنوی و شایستگی‌های دینی و اخلاقی برجسته است. در نوشته‌هایی بنام «پرچنا پارمیته سوترا»^(۴) به شش فضیلت اخلاقی اشاره شده است که عبارتند از:

۱ - «دانه»^(۵)، به معنای بخشش و ترحم و تقوای دستگیری

۲ - «شیلا»^(۶)، حُسن خلق.

۳ - «کشانتی»^(۷)، بردباری

۴ - «ویریا»^(۸)، همت و عزم استوار

۵ - «دهیانه»^(۹)، تفکر و مراقبه

۶ - «پرچنا»^(۱۰)، بصیرت و بینش برتر

در نوشته‌های دیگر همچون «دشه بهو میکاسوترا»^(۱۱)، علاوه بر شش فضیلت یاد

شده به چهار فضیلت دیگر اخلاقی نیز اشاره شده است که عبارتند از:

۱ - «اوپایه»^(۱۲)، کسب مهارت در استفاده از بهترین روش و ابزار؛ ۲ -

1- Eliade

2- Hastings

3- Pâramitâs

4- Prâjnâpâramitasuttra

5- Dâna

6- Šilâ

7- Kšânti

8- Viryâ

9- Dhyâna

10- Prajnâ

11- Dašbhumikâsuttras

12- Upâya

«پرنیدهانه»^(۱۱)، عزم و قصد، یا عزم و قصد بودا شدن؛ ۳- «بله»^(۱۲)، قدرت و نیرو؛ ۴- «جنانه»^(۳) معرفت و آگاهی.

عدم توجه به فضایل یاد شده موجب می‌گردد که انسان در ماهیت و خصلت طبیعی یا «لاوکیکا»^(۴) باقی بماند ولی هرگاه انسان از راه معرفت و توجه به فضایل یاد شده، وجودش روشن شده باشد و اراده «بدهی» و تنویر درون در او استوار گردد، او دیگر انسانی طبیعی نیست، بلکه «لوکو تره»^(۵) است. موجودی متعالی و فراتر از اوصاف طبیعی. چنین انسانی می‌تواند زمینه هدایت و نجات انسانهای دیگر را فراهم آورد. درست مثل انسان بینایی که گروهی نابینا را به مکان مورد نظر هدایت می‌کند. (هستینگز، ج ۲، ص ۷۴۰)^(۶)

در واقع انگیزه اصلی کسب فضایل از سوی بدهیستوه یاری دادن دیگران و هدایت و نجات آنهاست در این صورت است که بدهیستوه یک بودا یا «تتهاگنه»^(۷) می‌شود، یعنی کسی که به درک و توجه کامل رسیده است. آنچه این انگیزه را در بدهیستوه زنده می‌کند، اصل شفقت یا «سونیاتا»^(۸) و «کرونا»^(۹) یا لطف و رحمت است. اگر در مسیر بودا شدن لطف و رحمت و شفقت نباشد با انسانی سروکار داریم همچون ارهت در مکتب تهره‌واده، فردی مقدس و خودخواه، که در فکر نجات دیگران نیست.

مقامات یا مراحل زندگی بدهیستوه یا بهومی‌ها^(۱۰)

سالک یا متعهد بودا شدن و کسی که می‌خواهد از راه بدهیستوه‌ها به مقام بودائی برسد علاوه بر کسب فضایل و کمالات دهگانه یاد شده لازم است که دوره‌هایی را در زندگی طی کند تا شایستگی ورود به نیروانه و در نهایت بودا شدن را کسب نماید. در نوشته‌هایی بنام «جاتکه»^(۱۱) بویژه در بخش مقدمه سه دوره مشتمل بر ده

1- Pranidhâna

2- Bala

3- Jnana

4- Laukika

5- Lokottara

6- Hastings

7- Tathâgata

8- Suniata

9- Karuna

10- Bhumis

11- Jataka

مرحله در زندگی «بدهیستوه» ذکر شده است.

دوره اول: دوره مقدماتی است. در این مرحله شخص طالب خود را در مسیر بودا شدن قرار می‌دهد تا دریابد که آیا می‌تواند بودا شود؟ آیا آمادگی لازم را برای این منظور دارد؟ آیا شیرینی بدهی^(۱) و دستیابی به نیروانه تمایل ارهت شدن را در او زنده نمی‌کند؟ تمایلی که موجب کناره‌گیری از همه چیز، از خود، از همسایگان و... می‌گردد؟ آیا او در حال بدهی به فکر نجات و رستگاری دیگران هست یا نه؟ از این مرحله با عنوان گوتابهمی^(۲) یعنی مرحله آمادگی یاد می‌شود.

دوره دوم: این دوره هفت مرحله از مراحل دهگانه زندگی «بدهیستوه» را در بر می‌گیرد. در این مراحل شخص سالک و طالب مقام بودائی اصول لازم و شرایط وصول به نیروانا را تحصیل می‌نماید، تحصیل شرایط و اصول لازم این مرحله به معنای وصول حتمی مقام بودا برای شخص سالک نیست. با طی این مراحل هنوز احتمال انحراف از راه بودا وجود دارد. (الیاده، ج ۲، ص ۲۶۸)^(۳)

مراحل هفتگانه دوره دوم

۱- اولین مرحله از دوره دوم «پرمودیتا»^(۴) یا مرحله سرور و شادی است. کسی که در این مرحله قرار گرفت، دیگر انسانی معمولی نیست، بلکه یک قدیس است. موجودی برگزیده^(۵)، زیرا او وارد زندگی فوق طبیعی^(۶) شده است. او از این پس «بدهیستوه» تلقی می‌شود، که احیاناً بودا خواهد شد. حتی او در این مرحله بالقوه واجد کلیه کیفیاتی است که در دوره‌های بعد، از آن بهره‌مند خواهد گشت. کیفیات این مرحله البته در روحی پدید می‌آید که مقاصد و آرزوهایش خالص باشد.

در اینجا فکر «بدهی»^(۷) مطلقاً ثابت می‌شود و از این رو با فکری که در دوره مقدماتی و مرحله اول وجود دارد، متمایز می‌گردد. در این مرحله مریدی که در مسیر زندگی بدهیستوه قرار گرفته احساس می‌کند که در خانواده بودا متولد شده است و می‌داند

1- Bodhi

2- Gotabhumi

3- Eliade

4- Paramudita

5- Nikavakranta

6- Lokattaragati

7- Bodhi

که خوشی و شادی او محدود نمی‌شود. آنچنان شادی که وی خود را وقف آن می‌کند، خشنودی از حُسن نیت خویش برای نجات کلیه مخلوقات. بعلاوه در این مرحله سالک از وحشت و نگرانی دور می‌گردد، وحشت ملازم با زندگی، وحشت مربوط به آبرو و ترس از دست دادن آن و وحشت از مرگ و بدبختی تولدهای دوباره. (الیاده، ج ۲، ص ۲۶۸)^(۱) نذر و عهد او به اینکه متکفل گناه دیگران باشد، حالتی در او پدید می‌آورد که او را آزاد از زایش مجدد می‌گرداند. درمی‌یابد که کسی بهتر از او نیست. حتی کسی را برابر و مساوی خود نمی‌بیند. در این حال او آگاهانه وارد چرخه شده است که احیاناً سرانجام به بودا شدن او می‌انجامد. فضیلت اخلاقی که بدهیستوه در این مرحله خود را با آن کامل می‌گرداند «دانه»^(۲) یا بخشش و ایثار است.

۲ - دومین مرحله، پاکدامنی یا «ویمله»^(۳) است. مرحله غلبه اصول اخلاقی بر شخصیت بدهیستوه. وی در این مرحله خود را با فضیلت اخلاقی «شیلا»^(۴) کامل می‌کند.

۳ - سومین مرحله تنویر فکر یا بیداری، «پربهاکاری»^(۵) است. بدهیستوه در این مرحله بر نور بصیرت و بینش خود واقف می‌گردد. او خود را با فضیلت اخلاقی «کشانتی»^(۶) یا بردباری و شفقت کامل می‌کند و می‌تواند بر غضب که همچون شیطانی می‌تواند تمامی شایستگی‌های بدست آمده طی قرون و اعصار را نابود سازد غلبه یابد و از غلبه بر آن شادی می‌کند.

۴ - مرحله چهارم پرتوافکنی است «ارچیش متی»^(۷). این مرحله قلمرو همت و نیروی معنوی است که در جهت به کمال رسانیدن فضیلت‌های عقلانی و اخلاقی عمل می‌کند. عمل بدهیستوه در این مرحله ریشه جهل را می‌سوزاند. فضیلت اخلاقی که او خود را با آن کامل می‌کند «ویریا» یا همت و عزم استوار است.

۵ - این مرحله مقام «تسخیر ناپذیر» بودن^(۸) است. در این مرحله آنچه از فضیلت

1- Eliade

2- Dâna

3- Vimala

4- Šila

5- Prabhâkari

6- Ksânti

7- Arcishmati

8- Sudurjaya

اخلاقی بر بدهیستوه غلبه دارد، تفکر، تأمل و جذب، «سامدهی»^(۸) و «دهیانا»^(۹) است. بدهیستوه در این مرحله از شیاطین و تفکرات و اندیشه‌هایی که او را از چهار حقیقت شریف بودائی غافل می‌گرداند، ایمن می‌گردد.

۶ - مرحله ششم «ابھیموکھی»^(۳) یا روی گرداندن است، و مراد روی گرداندن از همه چیز و روی آوردن به بودا است. بدهیستوه خود را در این مرحله با فضیلت اخلاقی «پرجنا»^(۴) یا حکمت کامل می‌کند.

۷ - مرحله هفتم «دورانگمه»^(۵) یا دور شدن است. این مرحله تمامی خصوصیات مراحل قبل را با خود دارد، بویژه خصوصیت مرحله ششم را. قدرت معنوی بدهیستوه به کمال مطلوب می‌رسد. در عین حال او هنوز با ماهیتی انسانی، و همچون انسان است، ولی البته از پلیدیهای انسانی کاملاً آزاد است. عنوانی که او در این مرحله از کمال دارد، فرمانروای جهان یا گرداننده چرخ گیتی^(۶) است. لذا قابل مقایسه با «ارهت» «تهره واده» نیست و مقامی بالاتر از او دارد. (هستینگز، ج ۲، ص ۷۴۷)^(۷) وی در این مقام خود را با فضیلت «اوپایا»^(۸) یعنی کسب مهارت در بهره‌گیری از ابزار و روش نجات، کامل می‌کند. دوره سوم: در سومین دوره، سه مرحله آخری زندگی بدهیستوه شکل می‌گیرد. چنانکه قبلاً متذکر شدیم تا قبل از مرحله سوم احتمال اینکه بدهیستوه دچار انحطاط شود و نتواند به مقام «بودا شدن» دست یابد، وجود دارد، ولی از این مرحله به بعد یعنی سه مرحله نهایی که دوره سوم زندگی او را می‌سازد، «تنویر» تمامی حیات فکری و روحی و عاطفی و بطور کلی تنویر هستی او حتمی است.

۱ - اولین مرحله از سومین دوره زندگی بدهیستوه، «آچالا»^(۹) یا سکون و ثبات است. در این مرحله بدهیستوه از شدن و صیورورت رها می‌شود و بر حقیقت عالی عدم پیدایش و صیورورت اشیاء واقف می‌گردد و دیگر راه درازی تا عالمگیر شدن او نمانده

1- Samâdhi

2- Dhyâna

3- Abhimukhi

4- Prajnâ

5- Durângama

6- Cakravrtin

7- Hastings

8- Upaya

9- Acala

است. وی خود را در این مرحله در همه سطوح وجودی ظاهر و ساری می‌بیند.
 ۲ - مرحله دوم از دوره سوم، «ساده‌میتی»^(۱) یا مرحله خوبان و نیک سرشتان است. بدهیستوه در این مرحله کاملاً منزّه است و کردارش آلوده به ثمرات عمل، خوب یا بد، نیست. او در این مرحله به آرامش می‌اندیشد و در صدد اشاعه و انتشار آیین بودا برمی‌آید و می‌کوشد تا موجودات را از برکت آن برخوردار سازد.

۳ - مرحله آخر از سومین دوره که در واقع آخرین مرحله زندگی بدهیستوه است، «دهر مه مگه»^(۲) یا ابر آیین و ابر قانون است، این مرحله تقدیس و تبرّک^(۳) هم نامیده می‌شود، زمان ورود به نهایت و غایت^(۴).

بدهیستوه در این مرحله ارزش و اعتبار کامل و بی‌کم و کاست قانون می‌شود و تقریباً برابر با بودا قرار می‌گیرد و می‌تواند همچون ابری، باران رحمت و لطف خود را بر زمین بباراند و انسان، حیوان و گیاه را از پلیدیها پاک گرداند و امکان رهایی از «سمساره» را برای آنها فراهم سازد. بوداهای پیشین در این مرحله او را تقدیس می‌کنند و وی را صاحب قدرتهای فوق طبیعی می‌سازند و او نیز به تقدیس و تعظیم آنها می‌پردازد. او با اینکه می‌تواند به نیروانا ملحق شود، از روی اختیار و آگاهی، در خاموشی نیروانا خود را مدفون نمی‌سازد بلکه دست بکار نجات دیگران می‌شود.

اینها مراحل دهگانه‌ای است که حسب مکتب مهاییانه شخص می‌تواند با گذر از آنها و با بهره‌جوئی از فضایل دهگانه ذکر شده، خود را به مقام بدهیستوه یا بودای آینده برساند و سرانجام بودا شود، و وسیله نجات و رهایی خود و دیگران را از چرخ سمساره و تناسخ فراهم سازد.

قبلاً گفته شد که لازم است بدهیستوه در مرحله مقدماتی زندگی خود نذر و تعهد بودا شدن را بجا آورد و سوگند یاد کند که راه بوداها را ترک نکند و وظایف خود را به نحو احسن انجام دهد. در اینجا به اختصار از سوگند و نذر بودا شدن یاد می‌کنیم:

سوگند بودا شدن

۱ - باشد که من در همه راههای زندگی شرایط رهایی از کرمه، از تمایلات بد و از

1- Sâdhumati

2- Dharmamegha

3- Abhisekabhumi

4- Nistagmanabhumi

«مایا»^(۱۱) را بجای آورم، به کردار نیلوفری که در آب به آب آلوده نیست و مانند خورشید و ماه که پایبند آسمان نیستند.

۲ - آنگاه که تمامی رنج راههای بد را فرو نشانم، آنگاه که همه آفریدگان را به خوشدلی استوار دارم، باشد که تا آنگاه که سرزمینها و راههای ده جهت هست، به سود همه آفریدگان، راه زندگی را در پیش گیرم.

۳ - باشد که تا پایان زمان، خود را اینگونه پیروم. زندگی همراه با روشنایی را به کمال برم و زندگی بودا را سرمشق خود سازم. (هامفری، «دین بودایی»، ص ۲۱۵)^(۱۲) لازم به یادآوری است که در «مهایانه سوترا» از بوداهای آسمانی و بدهیستوهای بزرگی یاد می شود که در نزد پیروان مهاییانه از اهمیت فراوانی برخوردارند.

مهمترین آنها عبارتند از «اوه لوکیت»^(۳)، «اکشویا»^(۴) یا تزلزل ناپذیر که بنام بودای شرق نیز معروف است، «امیتابها»^(۵) یا نور بیکران، «امیتایو»^(۶) یا زندگی بیکران که بعنوان بودای غرب هم معروف است، «وایروچنه»^(۷) یا فرد درخشنده و باشکوهی که با جلوهها و اشعههای نورانی زینت داده شده است، «وجره پانی»^(۸)، نگهدارنده و جره یا آذرخش که ملازم بودا است، «پدمه پانی»^(۹) یا بودای نیلوفر بدست که او نیز بهمراه «وجره پانی» ملازم بودا است.

مهمترین این بدهیستوها «اوه لوکیت» است به معنای سروری که ناظر و مراقب است و لقب مهم او «لوکوناته»^(۱۰) یا نجات بخش جهان است. از او همچون خدای بهشت یاد شده است. گفته می شود که وی همان خورشید است (هستینگز، ج ۲، ص ۲۵۶-۷)^(۱۱) وازاو بعنوان ویشنوی بودائیان هم یاد می شود. (پیشین، ص ۲۵۷)

1- Mâyâ

—2 Humphreys Christmas , Buddhism , ...

3- Avalokita

4- Akṣobhīa

5- Amitâbhâ

6- Amitâyu

7- Vairochana

8- Vajrapâni

9- Padmapâni

10- Lokonâtha

11- Hastings

بودائیان اعتقاد دارند که این بدهیستوه تاکنون سیصد بار به صورت آدمی بر زمین فرود آمده تا نیازمندی را که در معرض آسیب و مخاطره بوده‌اند نجات دهد. (جان ناس، ص ۲۲۶)

لقب دیگر او «ایشواره»^(۱) به معنای سرور و خداوندگار است. خدایی که با مهر و لطف به زمین نگاه می‌کند و هیچ چیز را از دایره رحمت خود خارج نمی‌سازد. (الیاده، ج ۲، ص ۱۱)^(۲)

منابع:

جان ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۷۰.

Hastings . james , *Encyclopaedia of Religion and Ethics* , 1980 , Edinburgh .

Eliade . M , *Encyclopaedia of Religion* , 1987 , Macmillan .

Dasgupta , *A History of Hindu philosophy* , Cambridge University , 1922 .

Humphrey . Christmas *A popular Dictionary of Buddhism* , Curzon Press , london , Second Edition , 1978 .

Oldenberg . Herman , *Buddha* , Calcutta , 1927 . English Translation by W . Hoey .

Rhys Davids . T.W , *Buddhism* , Newyork , 1896 .

Humphreys . Chrstitmas , *Buddhism* , Penguin Books , 1972 . London .

S. Radhakrisnan , *Indian Phylosophy* , Gorge Allen and Unwin LTD , London , 1962 , vol. I.